مجله فکاهی

مُلا نصرالدین

سال دوم، شماره نهم
شماره ۲۱
امرداد ماه





مجلهٔ فکاهیِ ملانصرالدین، ارگانِ خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین

www.mollanasroddin-magazine.ir

این نشریه‌ای تک نفره است. یعنی همهٔ کارهای آن، اعم از نوشته و کارتون و کاریکاتور و ساخت رویه‌های نخست و پایانی و ایندیزاین، همه به دستِ حیدر سهیلی اصفهانی به انجام می‌رسد.



سر و ته مقاله

بلاخره برو بالا یا نرو بالا!؟

ما آخرش نفهمیدم این دلار می‌باس بره بالا یا نره بالا!؟ بعضی‌ها می‌گن اگه بره بالا، تولید هم می‌ره بالا... بعضی هم می‌گن اگه نره بالا، وضع زندگی خوب می‌شه.

قدیما یه مطرب داشتیم اسمشو می‌گفتن: اکی بنایی! این زنه لنگاشو لخت می‌کرد. نه این که لنگاش لخت باشه ها، از این دامن‌ها که زن‌ها قدیما پاشون می‌کردن، یه چیزی بود بین دامن و شورت. بشش می‌گفتن مینی جوف یا جوب، تو همین مایه‌ها... خب!؟ از اون‌ها پاش می‌کرد و از نردبون می‌رفت بالا. هی هم می‌خوند: "فهمت بره بالا! فهمت بره بالا!"

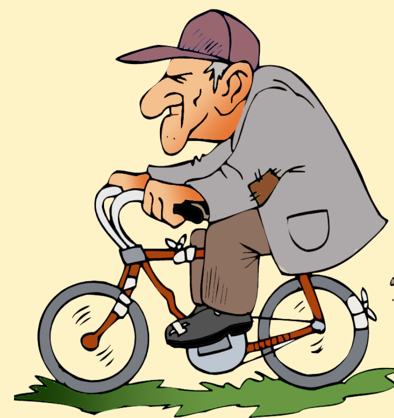
اون وقتا این چیزا را نمی‌فهمیدیم. اینقذه هم حواسمون به قد و هیکل و پر و پای اکی بنایی می‌رفت که آخرش نمی‌فهمیدم که چی چی می‌گه... اون وقتا تیر غیب خوردم و همین سکینه را برام از دهات آوردن و شد زن ما... همین ترانه را یاد گرفته بود و چون هنوز لهجش دهاتی بود، تو عروسیا می‌خوند. حالا فهم خودش قد گنجیشک هم نبود.

اگه همون موقع به جای پر و پای اکی بنایی، حواسم به حرفاش می‌رفت، یه کم فهمم می‌رفت بالا و گیر این سکینهٔ جوون مرگ شده نمی‌افتادم.

یه ترانه دیگه هم بود تو عروسیا می‌خوندن که همین سکینه اونو هم بلد بود: «دختر نرو بالا، یار بالا..!» سکینه چون تپل بود و ورجه وورجه می‌کرد، زن‌ها خوششون می‌اومد و می‌خندیدن، خودش خیال می‌کرد صداش خوبه! نگو برای خوشمزگیش نیگاش می‌کردن.

حالا بگذریم!

قدیم‌ها هم آخرش نفهمیدیم فهممون می‌باس بره بالا یا دختر نره بالا..! یکی می‌گفت برو بالا، یکی می‌گفت نرو بالا!



دولت برای این که فهم دهاتی‌ها بالا بره، این ترانه رو درست کرده بود و اکی بنایی می‌خوند. آخرش هم نفهمیدیم که فهم مردوم رفت بالا یا نرفت! اما کل کاری که دولت کرد تا فهم مردوم بره بالا، همین ترانه اکی بنایی بود.

نقل این روزهاست. دلار داره می‌ره بالا و ریال هم می‌باس نره بالا!

به نظر من، دولت فخیمه می‌باس همین کارو بکنه. یه ترانه درست بکنه و پخش بکنه که به دلار بگه: «دلار نرو بالا یار بالا! » بعد یه ترانه دیگه که بخونه: «ریال بره بالا، ریال بره بالا..!"

شاید تاثیر داشت. شاید ریال این ترانه را بشنفه و بره بالا. من هم شدم عین دولت، فکرم به جای دیگه‌ای قد نمی‌ده.

حوصلهٔ عصبانی شدنم هم ندارم. با زبون خوش برین رد کاردون... برین!

احمد آقای قاطی پاتی



دلار تحریم شد

افزایش چشمگیر نرخ دلار و بی‌اعتنایی این واحد پول آمریکایی به نصایح دلسوزانهٔ مسئولان کشور، باعث تحریم آن شد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، یکی از خانم‌های «مسیول» که اصلا اسم نداشت و همین طور فقط به او می‌گفتند مسیول (کی‌بوردشون همزه کرسی نداشت)، خبر تحریم رسمی دلار را اعلام کرد. او در این باره به خبرنگار ما گفت: « واه واه واه! چه پر افاده! هر چی بهش می‌گیم از جاش تکون نخوره، برا خودش صعود می‌کنه و هی بالا می‌ره! همین دیروز بنده و چند تا خانوم دیگه که برای اصلاح



برابری مسیولان زن و مرد، بمون پست و مقام دادن، چادورامونو به کمر بستیم و جارو به دست، کلی جیغ جیغ کردیم و تحریم دلار را به تصویب آقایون رسوندیم.»

خبرنگار ما پرسید: «آقاها قبول کردن!؟»

مسیول زن گفت: «قبول نکنن چی کار کنن!؟ مگه شهر هرته!»

او در ادامه گفت: «به قرآن عظیم، فقط فردا پس فردا چشممون به دلار بخوره، کت بسته تحویلش می‌دیم تا باباشو در بیارن. مگه ای ریال ما چشه؟ الهی بمیرم برات مادر... اینقده نجیب! اینقده خجالتی... همین جور سر جاش واستاده و اصلا تکون نمی‌خوره... بر عکس این ورپریده دلار..!»

او در پایان از خبرنگارمان پرسید: «وا! پس چرا اسممو نپرسیدی؟»

خبرنگار ما با تأسی به نجابت ریال زیر لبی پاسخ داد: «لازم نیست..! نمی‌خواد..!»

دستورالعمل‌های جدید برای مقابله با جنگ سایبری آمریکا ضد ایران



در پی آزادی عمل بیشتری که رئیس‌جمهوری آمریکا به ماموران سی آی ای برای جنگ سایبری با ایران داده است، دستورالعمل‌های جدید «انجمن ملی پدافند غیر عامل» صادر شد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، این انجمن، با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: « با توجه به این که تاکنون ماموران جنگ سایبری سی آی ای، هر کاری دلشان خواسته کرده‌اند، لذا از آحاد مردم ایران درخواست می‌شود، در کنار رایانه‌هایشان (درست نوشتم! یارانه اون یخته پولیه که می‌ریزن تو حساب‌ها) یک عدد پارچهٔ کلفت یا پتوی مستعمل کوچک بگذارند تا در صورت این که ماموران جنگ سایبری آمریکا خواستند شلوارشان را به طور ناگهانی در بیاورند، با آمادگی کامل روی مانیتور بیندازند.

در ضمن، کنار میز، حتما یک سطل داشته باشید تا اگر سرعت عمل نداشتید و صحنه‌ای که نباید ببینید دیدید، گلاب به رویتان، برای ریختن شکوفه‌هایتان، سطل داشته باشید.

انجمن ملی پدافند غیر عامل، با تذکر این که سی آی ای ممکن است از ماموران خودفروختهٔ فارسی دان استفاده کنند که تسلط کاملی روی دشنام‌های ناموسی چند ستاره با گویش‌ها و لهجه‌های مختلف دارند، تاکید کرد: لطفا ظرفیتتان را بالا ببرید و اعتنایی نکنید.

در این بیانیه، به شهروندان تذکر داده شده است که «بی‌خود دنبال رقابت با این ماموران خودفروخته برای دشنام دادن نباشید. این‌ها هر کدامشان در دادن انواع دشنام‌ها فوق تخصص دارند و ممکن است حتی دشنام‌هایی به شما بدهند که تا حالا اصلا به گوشتان نخورده است. به علاوه، این‌ها خیلی وقت است که بی‌خیال غیرت شده‌اند و حساسیت چندانی به خواهر و مادر ندارند.

افزایش چشمگیر صادرات دلار غیر نفتی ایران

در پی افزایش صادرات غیر نفتی کشورمان، دولت‌های همسایه در بیانیهٔ مشترکی از صادرات دلارهای غیرنفتی ایران تشکر کردند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، یکی از اقلام صادراتی ایران به کشورهای همسایه، دلار است و طبق ارزیابی کارشناسان اقتصادی، روند صعودی چشمگیری به خود گرفته است.

یکی از کارشناسان کشورهای همسایه که پذیرای سیل دلارهای صادراتی است، اعلام کرد: «ترا خدا اسم منو نبرین!»

خبرنگار ما تاکید کرد: «سئوالی که پرسیدم جواب بده، چی کار به اسمت دارم؟ »

او گفت: «آهان..! راستش شما هم جنس تولید می‌کنید و به ما صادر می‌کنین و هم دلارش را به کشورتون نمی‌برین و با اون پول، در همین کشورمون، کنار دریا ویلا می‌خرین و ... یاد یکی از ترانه‌هاتون افتادم: منو و این همه خوش‌بختی محاله..!»

خبرنگار ما پرسید: « همین یه ترانه را یاد گرفتی؟»

او پاسخ داد: «نه! از پسرهای صادرکنندگان عزیزتون که با ماشین می‌رن داف بازی، این را هم یاد گرفتم: همه چی آرومه! من چقد خوشحالم!»

وزارت آموزش و پرورش: ابتلای دانش‌آموزان به صورت نوبتی

وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد: از پانزدهم شهریور ماه، دانش‌آموزان به صورت نوبتی، در روزهای زوج و فرد به ویروس کرونا مبتلا خواهند شد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، وزیر اعلام کرد که دانش‌آموزان به دو دسته تقسیم خواهند شد و عده‌ای در روز زوج مبتلا خواهند شد و عده‌ای در روزهای فرد.

جناب وزیر اشاره‌ای به این موضوع نکرد که آیا خانواده‌های این دانش‌آموزان می‌توانند برای ابتلا به ویروس کرونا، روزهای زوج یا فرد را انتخاب کنند یا ابتلای خانواده‌ها هم انتخابی نخواهد بود؟





هر ماه با:

دکتر الاغ خرنژاد

دکتر الاغ خرنژاد، دستمایه‌ای است که لحن انتقادی بسیار تلخی دارد. از یک سو، نگاهی گزنده، به «ملایان مکتب نرفته‌ای» دارد که در کسوت کارشناس حوزه‌های مختلف، در هر زمینه‌ای اظهارنظر می‌کنند و رادیو و تلویزیون را پر کرده‌اند و از سوی دیگر «اشرف مخلوقات بودن» انسان را به سخره می‌گیرد. انسانی که بازیچۀ افکار و عقاید مختلف است و به راحتی فریب می‌خورد. دکتر الاغ خرنژاد، موجود فرزانه و متفکری است که تنها گناهش الاغ بودن است. هرچند بهتر از خیلی از آدم‌ها می فهمد.

جناب دکتر، با سلام به جناب عالی، در ماهی که گذشت جنجال بزرگی دربارۀ روابط ایران و چین و قرارداد کذایی ۲۵ ساله... راستش خیلی نگران شدم و ... واسه چی دارین می‌خندین!؟

- هیچی مگه خنده جرمه!؟

• نه جرم نیست، اما جسارتا یک بار، جایی شنیدم که دو موجود می‌تونن بخندن، یکی انسان و یکی هم خر! منتهی اولی می‌دونه چرا می‌خنده، اما دومی نمی‌دونه! البته ببخشین قصد جسارت نداشتم...

- نه چه جسارتی! حرف حق را باید شنید. حالا پس شما آدم دو پا، می‌دونی چرا می‌خندی؟ چرا گریه می‌کنی؟ چرا عصبانی می‌شی؟ چرا اعتراض می‌کنی؟ و هزاران چرای دیگه..!

• خب راستش نه! بنده همچی ادعایی ندارم.

- پس تا این جای کار، نتیجه می‌گیریم که شما هم مثل ما خرین!

• خب بله! جسارتا!

- نه خیر! شما مثل ما نیستین... بلکه از ما خرترین... می‌خواهی ثابت کنم؟

• تا حالا چند بار ثابت کردین... این هم روش!

- بعله! این هم روش! از قرارداد چین و ایران چی می دونین؟

• می‌گن که قراره چند تا جزیرۀ ایرانی را به اون‌ها بدن و بعد، بذارن نیروهاشون را بیارن در ایران و ...

- کی می‌گه؟

• چند تا شبکه هستن... خب! مخالف حکومتن..!

- این شبکه‌ها مال کین؟

• مال عربستان سعودی و آمریکا و خط و ربطی هم با اسرائیل دارن...

- تو از این دولت‌ها خوشت می‌آد..؟

• نه هیچ کی خوشش نمی‌آد... حتی خیلی از مخالف ها . . .

- حالا کی خره؟

• تا این جاش که ما..!



- بگو دور از جون! آدمین شما... این بلاهت مخصوص آدمی زاده... نه خر جماعت! تمام گناه ما اینه که وراج نیستیم. حالا بگو! کی داره این جزیره‌ها را به چینی‌ها می‌ده و نیرو و این قبیل قضایا؟

• دولت..!

- بعد دولت همچی اختیاری داره؟

• خب نه!

- یعنی اصولا چنین کاری نمی‌تونه بکنه... بعد کی می‌خواد اجرا کنه، وقتی دولت چنینی حقی نداره؟

• خب این‌ها غلط... باشه! می‌گن قراردادهایی دارن می‌بندن برای سرمایه‌گذاری چینی‌ها که فقط در حوزۀ نفت و گاز می‌خوان ۲۸۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کنن.

- خب این خبر بده یا خوبه!؟ مگه شرکت‌های نفتی دیگه دارن چی کار می‌کنن؟

• خب این خبر خیلی خوبه... حوضه‌های نفتی ما هم نیاز مبرمی به سرمایه‌گذاری دارن. بقیۀ کشورها هم به سبب حجم سنگین سرمایه‌گذاری براشون صرف نمی‌کنه که خودشون سرمایه بریزن، حتی خود عربستان..!

- حتی خود عربستان! اما شبکه‌های عربستانی، می‌گن این خبر خیلی بده... خیلی سخته فهمیدنش؟

• راستش نه!

- وقتی حیوون‌ها سر خوردن یونجه هم با هم رقابت دارن، خیلی سخته که بفهمین چرا عربستان می‌خواد این قراردادها به هم بخوره؟

• فقط عربستان نیست، آمریکایی‌ها هم هر بار چین می‌خواد جایی سرمایه‌گذاری کنه، همین جور شلوغ می‌کنن...

- چرا!؟

• خب چون چین داره با آمریکا رقابت می‌کنه. در ارتباط با تجارت مستقیم با آمریکا خیلی ضرر دیده... یعنی آمریکا بهش ضرر زده و حالا هم چینی‌ها دارن بازارهای بالفعل و بالقوۀ آمریکا را از دستش در می‌آرن...

- حالا برگردیم سر موضوع همین قرارداد! این‌هایی که می‌خوان جزیره بدن، نفت و گاز بدن و نیروهای چینی را وارد کشورشون کنن، کرم دارن یا خیلی نفهمن!؟

• راستش بعضی‌ها می‌گن مرض دارن و بعضی دیگه هم می‌گن نفهم تشریف دارن...

-خود چینی‌ها هم همین جورین!؟

• ها!؟

- یعنی این قدر نفهم تشریف دارن که با گرفتن جزیره و اعزام نیرو و ... هزینۀ تمام شدۀ سرمایه‌گذاری خودشون رو به افلاک ببرن؟ هم هزینۀ مادی و هم معنوی... یعنی هم پول بدن، هم اشتغال ایجاد کنن، هم زیرسازی کنن و هم از نظر مردم ایران، یه مشت خون خوار و دزد بین‌المللی به نظر بیان. مگه در جاهای دیگر جهان همین جور رفتار می‌کنن؟

• نه! به هیچ وجه... تا سود خالص نباشه پا نمی‌ذارن و خیلی هم مواظبن که سر و صدا درست نکنن.

- ها! حالا رسیدیم جای اصلی... پس هیچ سرمایه‌گذاری سرمایه نمی‌ریزه تا از سود خودش مطمئن نباشه. بعد هم هیچ سرمایه‌گذاری دوست نداره تو چشم باشه... حالا چرا فرصته؟ چون شما هم باید شونه به شونۀ چین فعالیت کنین تا بتونین از این فرصت استفاده کنین و خودتون رو بالا بکشین. این اصل موضوعه! نه این که از یک طرف فریب آمریکایی‌ها را بخورین که دارن خودشون رو جر می‌دن تا ایران به دستشون بیفته و دو دستی هاپولی کنن، اما حالا می‌بینن که قدرت اقتصادی دوم جهان، داره دست روی منابع سرمایه‌گذاری ایران می‌ذاره.

• خب چرا ما نباید فکر سرمایه‌گذار آمریکایی باشیم، به جای سرمایه‌گذار چینی؟



–خیلی ساده است! چون اولا تکنولوژی آمریکایی در دسترس نیست. تکنولوژی چینی خیلی راحت قابل دستیابیه و اقتصاد دو کشور از نظر سطح تکنولوژیک خیلی به هم شبیهه! دوم این که تکنولوژی آمریکای خیلی گرونه... سوم این که آن‌ها تکنولوژی خودشون رو صادر نمی‌کنن. غیر از غرب و اسرائیل، کجا تکنولوژی آمریکایی وارد شده؟

• ژاپن و کلا شرق آسیا و چین...

– غیر از ژاپن که مودبانه مستعمرهٔ آمریکاست و البته کالاهای خیلی گرونی داره، چین را در نظر بگیر... تکنولوژی مصرفی آمریکا را به دست آورد و بعد با مهندسی معکوس ساده و ارزانش کرد. اینه که می‌گم سطح اقتصاد ایران و چین در یک حده...

• شما می‌خواین بگین چین عاشق چشمو ابروی مست؟

– البته که نه! چون چین سرمایه‌گذاره! چین قبلش دید که ایران داره ازش جنس وارد می‌کنه. هر آشغالی که تولید می‌کنه ایران می‌خره. صداش در نیومد و اجازه داد تا سود هنگفت ببره. بعد ایران هم فقیر شد و هم سیاستش به طرف تولید رفت و تونست به بازارهای همسایه کالای زیادی صادر کنه. چینی‌ها حالا رقیب بزرگی در حد ایران دارن که بخشی از بازارشون را داره تصاحب می‌کنه. می‌خوان سوار موج ایران بشن و با ارزان سازی در ایران و مشارکت در تولید ایرانی، به این بازارها دست پیدا کنن. چون می‌دونن دلایل زیادی وجود داره که ایران بعدها، این روند را تسریع خواهد بخشید و اگر الان تهدید زیاد بزرگی نیست، در آینده به تهدید بسیار بزرگی تبدیل خواهد شد. خصوصا اگر تحریم‌ها جمع بشه و شرکت‌های خارجی دنبال سرمایه‌گذاری در ایران باشن.

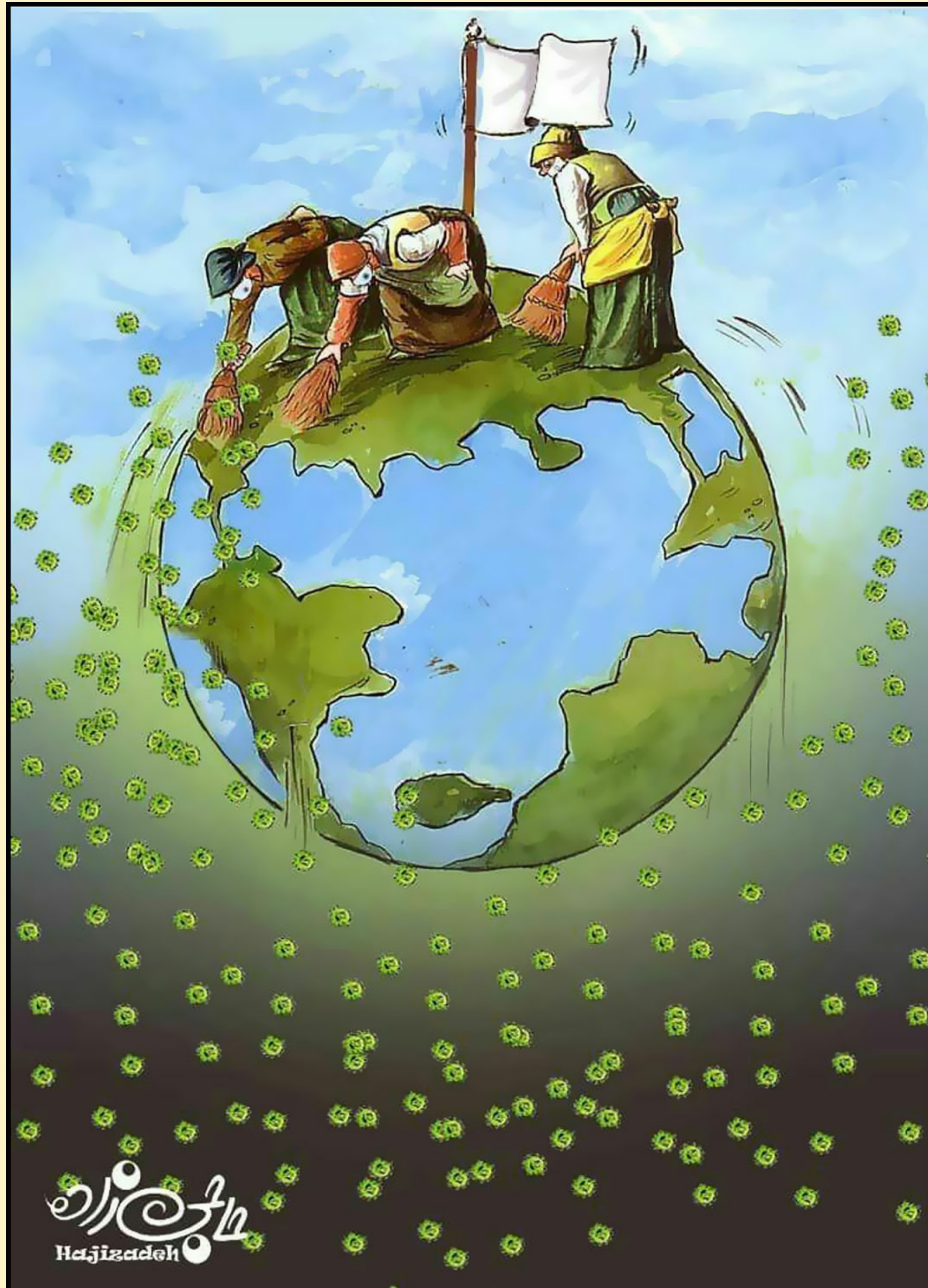
• من اصلا به این چیزها فکر نکرده بودم.

– به چی فکر کرده بودی؟

• حالا فقط دارم به این فکر می‌کنم که خداحافظی کنم. از شما و خوانندگان گرامی تا شمارهٔ بعدی خداحافظی می‌کنم و می‌رم کمی تمرین کنم که هم فکر کنم و هم زود جوگیر نشم.

کارتون‌های غلامنصرالدین

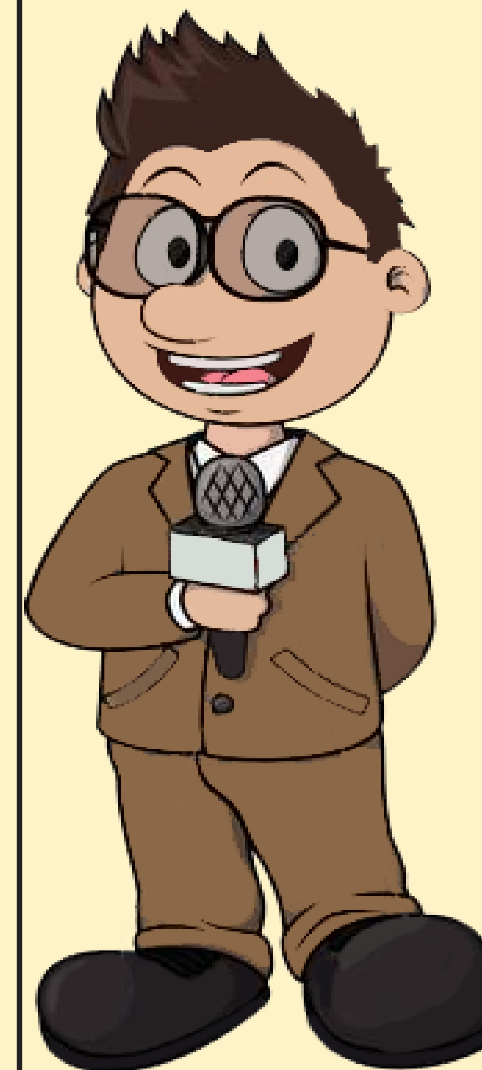




رسول حاجی‌زاده هنرمند کارتونیست اردبیلی مدال طلای مسابقه بین‌المللی کاریکاتور UYACC کشور چین

گپ و گفت

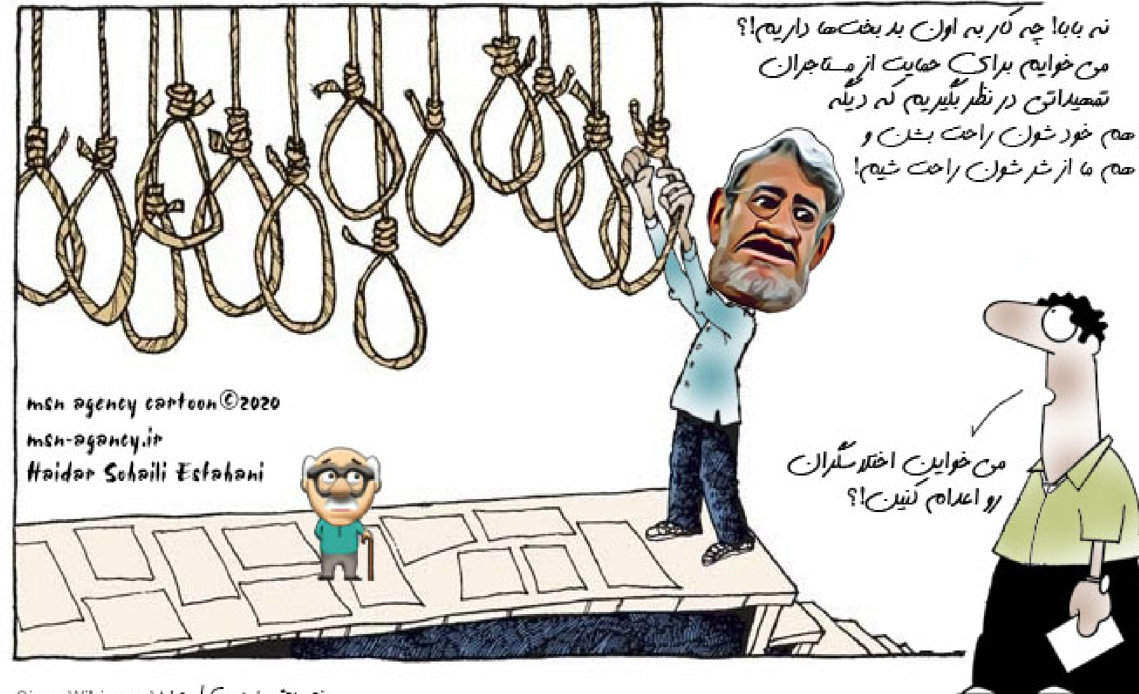
- شنیدی رئیس‌جمهوری سابق مصاحبه داده، اوف!
• یعنی چی اوف!؟
- یعنی توپ..!
• می‌شه مثل آدمیزاد حرف بزنی، من هم بفهمم!؟
- گفته که من از همون اولش طرفدار آزادی بیان بودم.
• نه بابا..!
- جان تو..! تازه این که چیزی نیست.
• دیگه چی؟
- دیگه این که گفته: من دنبال برگردوندن خواننده‌های لوس‌آنجلسی به مملکت بودم. نمی‌ذاشتن!
• پس اون حبیب بی‌چاره...
- اون هم می‌گه دنبال کارش بودم بیاد بخونه، خودش صبر نکرد، افتاد مرد.
• خداییش اینو دیگه راس می‌گه! چه وقت مردن بود؟
- ببین چه اشتباهی درباره‌اش کردیم؟
• آره بابا! کافی بود، یه کم نمی‌مردیم. بی‌چاره داشت همه کارها را خودش می‌کرد.
- ببین چه زود قضاوت می‌کنیم؟ اگه سال ۸۸ خودمون زود نمی‌مردیم و خودمون را نمی‌بازداشتیم و گرفتار زندان و شکنجه و اعدام نمی‌کردیم، حالا اوضاع خوب شده بود.



• راستی! نکنه این احمدی‌نژاد در اصل میر حسین موسوی بود.
- اَی گفتی..! نامرد... ما را خر کرد، خیال کردیم خودش میر حسینه!
• نگو، احمدی‌نژاد در اصل میر حسین موسوی بود.
- اَی بی پدر، خرمون کرد، تموم شد رفت!
•حالا چطوری جمعش کنیم؟
- هیچی! شکر خدا، حالا خودش که تو حصر هست. می‌ریم پیش رهبری، ازش می‌خوایم میر حسین را در حصر نگه داره و تازه اسم واقعی خودش را بذاره روش!
• آره بابا! به همه بگن این که تو حصره، میر حسین نیست، احمدی نژاده!
- بعدش هم راه می‌افتیم دنبال میر حسین واقعی، هم خواننده‌ها را بر می‌گردونه و هم آزادی بیان و آزادی چیزهای دیگه بشمون میده... واقعا چه فکری کردی، آفرین!
•خوب شد قبل از این فکر بکر، فرار مغزها نکردم!
- آره بابا! شکر خدا..!

صفا گزارش زاده

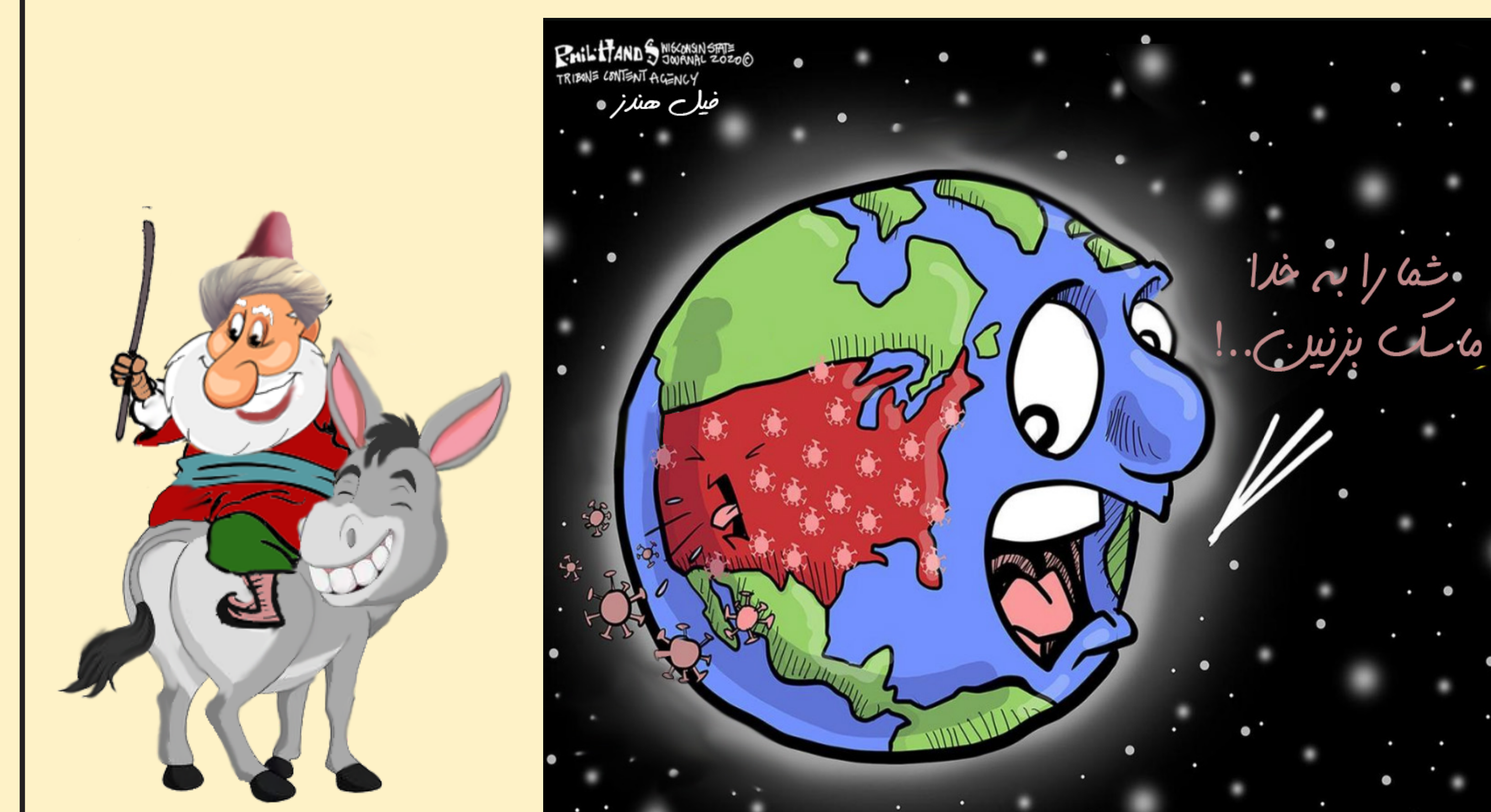




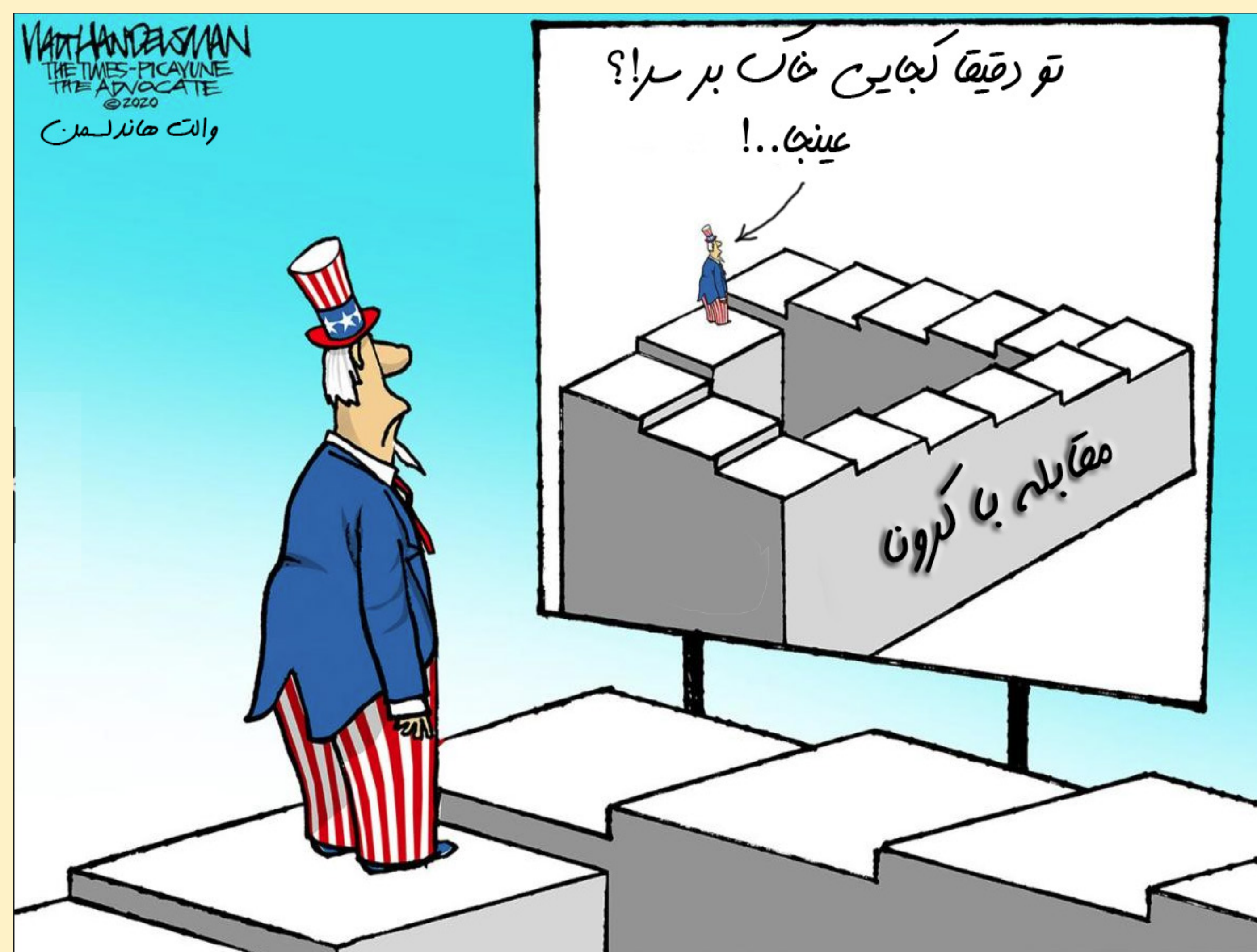


کارتون های خارجی









نامه‌های جنجالی

درگذشتهٔ سبک زیبایی بود که برای بررسی مواضع واقعیِ شخصیت‌ها و سیاستمداران کشورها به نقل از آنان نامه‌ای می‌نوشتند و به جای مواضعِ اتوکشیدهٔ آن‌ها منتشر می‌کردند. گاهی مردم عادی باور می‌کردند که فلان سیاستمدار، چنین نامه‌ای نوشته است و علت اصلی این باور عموم آن بود که مفاد نامه، به مواضع شناخته شدهٔ او بیشتر از سخنان شیک و فریبنده‌اش شباهت داشت.

گاهی هم نویسنده آماتور بود و به شدت تحت تاثیر تصور خودش از دیگران و محصولات بی‌ربط و ضعیفی را می‌آفرید. نامهٔ چالی چاپلین به دخترش، نمونهٔ بارز این گونه آثار است که در اصل، در تهران و به دست یک ایرانی مسلمان نوشته شده بود و سبب شد خیلی‌ها خیال کنند که چالی چاپلین مسلمان شده است.

من تا به حال ندیده‌ام که کسی این سبک را وارد طنز کرده باشد و اگر کسی باشد تعجبی نمی‌کنم، چون این سبک، زمینهٔ بسیار مناسبی برای طنز دارد. در این هفته، بیایید با هم تصور کنیم که اگر بنیامین نتانیاهو بخواهد نامه‌ای برای مقام‌های ایرانی بنویسد، چه خواهد نوشت؟

بابام همیشه می‌گفت: دشمن به دشمن که سلام نمی‌کنه. من هم سلام نمی‌کنم. البته مرحوم بابام خیلی چیزهای اخلاقی دیگه را هم یادم نداد. همیشه می‌گفت: پسر، مثل بابات قرمساق باش! اما نیست تا ببینه حالا دیگه از شدت قرمساقی، در دنیا نامبر وان شدم. حتی این ترامپ بی پدر هم با فاصلهٔ زیادی از من مقام دوم داره..!

شاید خیال کردین که اسم بابام را آوردم و حالا دارم گریه می‌کنم! برو بینیم بابا..! کی واسه اون پوفیوز گریه می‌کنه... اون هم من!

بنگ بنگ بنگ! حال کردین؟

انفجار این جا! انفجار اون جا! انفجار همه جا!

خیلی وقته دوست داشتم این کار را باهاتون بکنم. این گانتس ننه مرده، فکش خورده زمین... باور نمی‌کرد که یه همچی رو دستی از من بخوره. اول خرش کردم تا بیاد با من مؤتلف بشه و بعد کارتم را رو کردم. حالا نه راهِ پس داره و نه راهِ پیش... تموم شد! نخست وزیر بی‌رقیب بعدی هم خود منم. گانتس رفت افتاد به سطل زباله!

راستی! چند روزه دارم رقص ایرونی تمرین می‌کنم. یه بابایه آموزش رقص می‌ده، از همین یهودی‌های ایرونه... یه کم هیزه، وقتی قر می‌دم، بد نیگاه می‌کنه... ولی به جهنم! کی به این چیزها اهمیت می‌ده!؟ نوستالژیه! به من می‌گه: «خضرت اشرف شما تپل میلی، برای رقص ایرونی خیلی خوبی!»

فقط بشکنش یه کم سخته... چون باید قر بدی و بعدش بشکن بزنی. باید تق صدا کنه! از رقص لی لی پوریم خیلی بهتره... هر وقت می‌رقصم به پروستاتم خیلی فشار می‌آد!

شنیدم فرماندهٔ سپاهتون گفته تلافی می‌کنیم و این جور رجز رجوزها... برو بمیر بابا! اصلا من هلاک یک شلیک توام! بزن تا عین این پیرزن‌های بچه مرده، یه دستمال بزرگ بگیرم دستم و برم شورای امنیت و جیغ بزنم و با دستمال، دماغم را خرت و خرت بکشم که کشتن! بردن! تحریم تسلیحاتیشون رو تمدید کنین..!

حال کردین با این نقشه؟ آره!؟ هم گانتس خر رو از سرم واز کردم و هم شما رو در وضعی قرار دادم که عمرا بتونین تلافی کنین.

البته شاید در آینده، یه کارهایی بکنین. به جهنم! تا اون وقت، من کت و شلوار نخست وزیرم رو هم نو کردم.

حالا دیگه دارم می‌رقصم!

اولش یه قر به سمت راست، یک، دو، سه! یک



بشکن!

بعدش یه قر به طرف چپ! یک، دو، سه و یک بشکن دیگه!

خیلی راحته، به هیچ جا هم فشار نمی‌آد!

ای لعنت به پوریم! شورت کشدار هم افاقه نمی‌کنه... هر کار کنی فشار می‌یاد! به قول شما ایرونی‌ها، سن که رسید به پنجاه، فشار می‌آد به چند جا...

هی ناز نکنین!

برای شما، همه‌اش که ضرر نیست. شما هم نفع می‌برین. وین وین، چی می‌گین شما، ها! برد برد!

ا لکی یه گروه مسلح اعلام کردم اسمش را گذاشتم گوزپلنگان وطن! ببخشین تلفظ ی سخته... حالا به این بهونه، می‌تونین اون بدبخت‌های گوساله که با موساد همکاری کردن، درو کنین. البته، برای ما هم بد نیست. به هر کدومشون چندمیلیون دلار پیشنهاد کردیم. تا حالا هم همشون با هم، شاید دو هزار دلار گرفته باشن.

شما بکشین و ما هم چند هزار دلار دیگه دشت می‌کنیم. من و مادام برای این چند هزار تا برنامه چیدیم. البته اگه این رئیس موساد سر خر نشه. چون مجبور می‌شیم چند صدتایی به خودش پول بدیم تا از سر بازش کنیم.

باید بِهش پول بدیم! اون قبلیه بی‌شرف، من و زنم رو لو داد و حالا باید هی دم انتخابات زجر بکشیم تا زندان نیفتیم... پدر سگ! حتی رفت گزارش داد که زنم می‌ره پلاستیک‌های نخست وزیری رو می‌فروشه... تف تو غیرتت نامرد! همش تقصیر زنم شد. بس که گداست!

بش گفتم بذار بهش پول بدیم. گفت: مگه چقذه گیر خودمون می‌آد؟ گوساله رفت باهاش پالتو پوست خرید... سیصد تا داره!

من براتون خیلی نقشه‌ها دارم. با هم می‌تونیم کار کنیم.

به خدا!

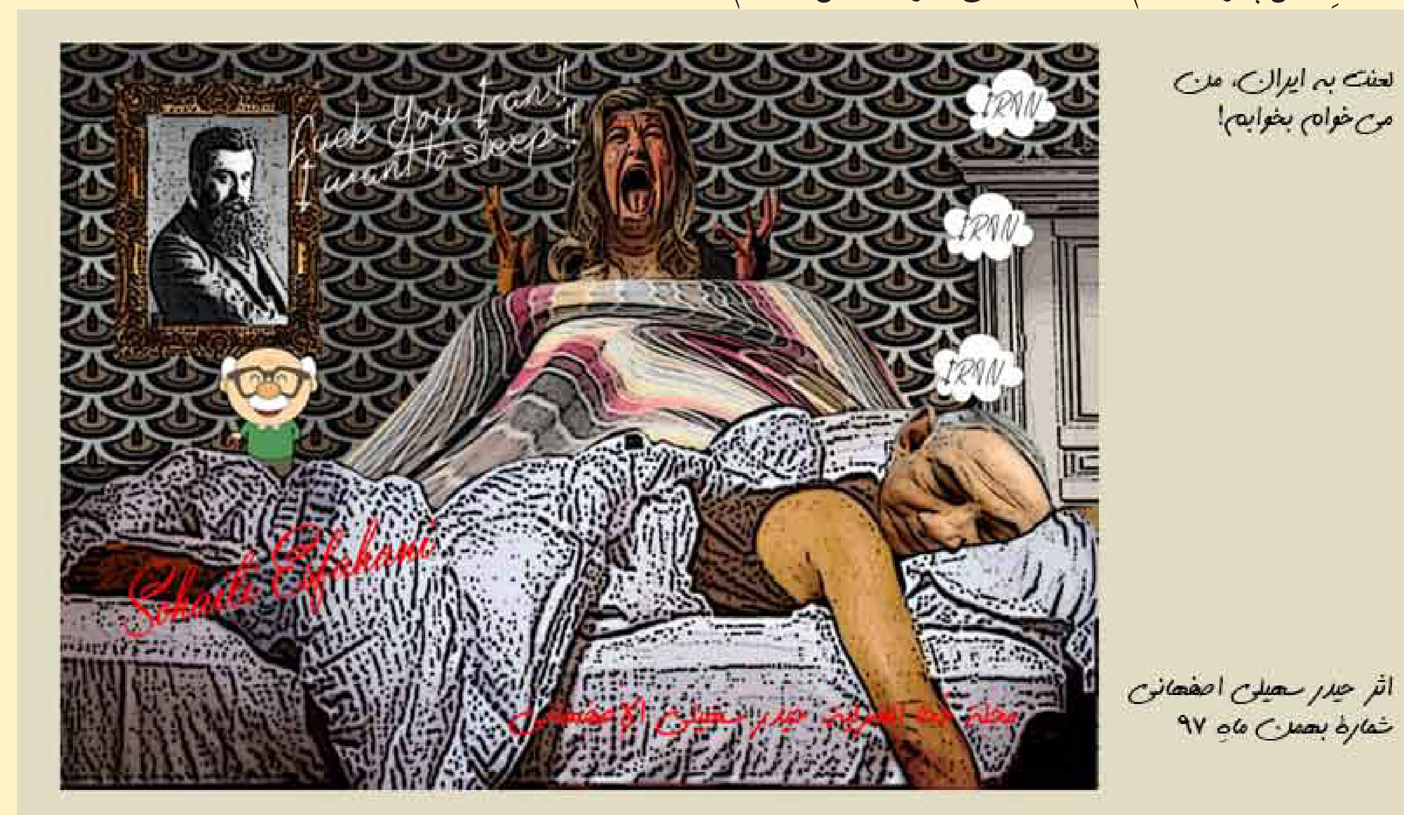
خوب فکر کنین!

من داد می‌زنم ایران! شما داد می‌زنین اسرائیل! نه من کار می‌کنم برای اسرائیل! نه شما کار می‌کنین واسه ایران... چطوره؟

شاید حتی بشه در آینده ترتیبی داد که شما هم چند جا داخل اسرائیل رو بزنین. نزدیک دیمونا و چند جای عشقی دیگه... یعنی هلو برو تو گلو!

بهش فکر کنین! بد نیست ها..! خودتون می‌دونین، اما اگه موافق هستین راه‌های اطلاع دادن به من زیاده... اگه موافق نیستین تو پاچهٔ خودتون رفته... سلام که نکردم. خداحافظی هم نمی‌کنم.

به امید دیدار..!



اخبار خارجه

جام جهانی مسابقات دشنام دادن به ترامپ

در شرایط کرونا، مسابقاتی خانگی برای دشنام دادن به ترامپ در آمریکا، به تدریج ابعاد گسترده‌ای به خود گرفته است.



به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، صاحب‌نظران بر این باورند که ادامهٔ این وضعیت می‌تواند مسابقات جهانی گسترده‌ای را به راه بیندازد که در آن شرکت کنندگان برای دشنام دادن به ترامپ با هم مسابقه می‌دهند.

کتاب بولتون دربارهٔ تصمیمات احمقانهٔ ترامپ و پافشاری‌های احمقانهٔ خودش برای افزایش تصمیم‌گیری‌های احمقانهٔ ترامپ، جنجال وسیعی در پی داشت.

حالا خواهرزادهٔ ترامپ، یعنی مری ترامپ هم کتابی منتشر می‌کند که در آن، دربارهٔ فساد جنسی و مالی دایی‌اش مطالبی نوشته و اطلاعاتی داده است.

ابعاد منفی زندگی ترامپ آن قدر جای پرداخت دارد که هر کس می‌تواند از تاثیر وجودی ترامپ روی زندگیش مطالبی بگوید: یمنی‌ها از کشتارشان با سلاح‌های آمریکایی با کمک ترامپ، ایرانی‌ها از وضعیت مالی دشوارشان به خاطر وجود ترامپ، آمریکایی‌ها بنا به دلایل مختلف از جمله، نداشتن تامین درمان و ضعف عملکرد ترامپ در مبارزه با کرونا و ...

این امر اجازه می‌دهد تا مسابقاتی جهانی برای دشنام به ترامپ راه بیفتد و به بهترین اثر جایزه داده شود.

طرح افزایش دشمنان آمریکا تقدیم کنگره شد

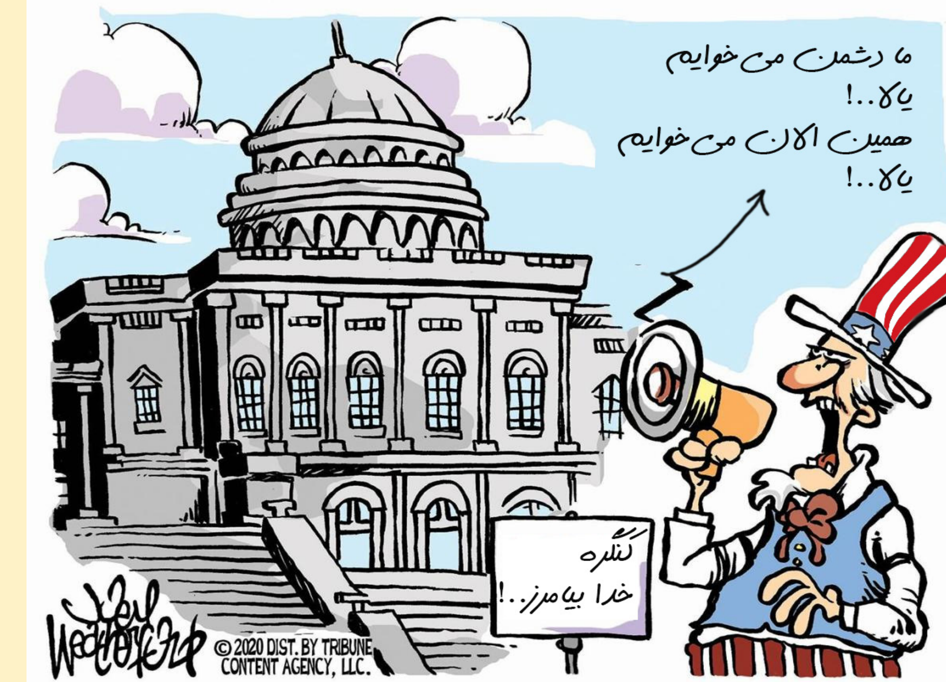
طبق این طرح، مقرر شد که با تحریم ترکیه به سبب خرید سامانهٔ ضد موشکی إس 400 از روسیه، گام بلندی برای تبدیل این کشور به دشمن آمریکا برداشته شود.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، آدام کینسینگر و آبیجل اسپانبرگر، نمایندگان کنگره، این طرح را در چهارچوب قانون مبارزه با دشمنان آمریکا به کنگره تقدیم کرده‌اند و کارشناسان امیدوارند که تصویب آن، با واکنش بسیار تند آنکارا رو به رو شود و عملا اقدام به واکنشی کند که با تحریم‌های بیشتری رو به رو شود.

این کارشناسان امیدوارند که با تصویب این طرح، مشت محکمی به پوزهٔ اردوغان زده شود و جگرش بسوزد تا بفهمد با تبدیل ایاصوفیا به مسجد، چطور جگر طرف مقابل را سوزانده است. آدام کیسینگر، در این باره به خبرنگار ما گفت: «آدمی که می‌زنه جای دیگهٔ آدم را می‌سوزونه، بهتره خودش هم یه جای دیگش بسوزه تا بفهمه، چیز سوزی چه مزه‌ای داره.»

هر چه خبرنگار ما اصرار کرد، این نمایندهٔ کنگرهٔ آمریکا حاضر نشد بگوید که آن جا دقیقا کجاست و فقط گفت: «یه روزی مال خودت می‌سوزه، می‌فهمی کجاست!»

خبرنگار ما هم با تأسی با سخنان گهربار رئیس‌جمهوری در حال فقید شدن سابقمان، در حالی که از محوطهٔ کنگره فرار می‌کرد، فریاد زد: «آب رو



بریز اون جات که می‌سوزه!»

کرونا برای بردن نتانیاهو به اسرائیل بازگشت



موج ابتلا به کرونا در اسرائیل بالا گرفت و کارشناسان معتقدند این بیماری احساساتی تا نخست وزیر محبوبش را با خود نبرد، اسرائیل را ترک نخواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، پیش از این، اسنادی دربارهٔ وجود روابط عاشقانه میان بنیامین نتانیاهو و ویروس کرونا منتشر شده بود، اما کمتر کسی حدس می‌زد که این رابطهٔ عاطفی تا این اندازه سفت و سخت باشد.

طبق اسناد جدید، همسر نتانیاهو از خیانت همسرش و برقراری روابط عاشقانه با کرونا به شدت خشمگین شده بود، اما بنا به دلایلی، از جمله وحشت او از کرونا و نیز اطمینان از این که اکنون شوهرش، از این رابطه، مثل سگ پشیمان است، سبب شده که صدایش را در نیاورد.

از دید این کارشناسان که اصرار داشتند نامشان را منتشر کنیم، اما خودمان رغبت نکردیم، کرونا تحت هیچ شرایطی حاضر نیست از معشوقش دست بکشد و قسم خورده است تا او را با خود نبرد، دست از سرش برندارد.

راست گفتن: خلایق هر چه لایق! آره والله!

جامعهٔ همجنسگرایان، با عضویت همجنس‌بازان سیاسی موافقت کرد

پس از سال‌ها بحث و تنش در جامعهٔ همجنسگریان و همجنس‌بازان، سرانجام این جامعه، با عضویت همجنس‌بازان سیاسی موافقت کرد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، وجود سه ویژگی بارز، یعنی میل به خودفروشی و نیز تعدد شرکای سیاسی و همچنین، گرایش به سیاست‌بازی حاد باعث شد سیاست‌بازی هم بخشی از همجنس‌بازی حساب شود.

از ایران هم تعداد از احزاب و گروه‌های سیاسی داخل و خارج، به این انجمن جهانی پیوستند تا پرچم سه رنگ ادعایی خود را کنار گذاشته و به پرچم رنگین کمانی متعلق به خودشان ادای احترام کنند.

فرقهٔ رجوی، از نخستین دسته‌های سیاسی است که به جامعهٔ جهانی همجنس‌بازان پذیرفته شد. گو آن که با توجه به داشتن همهٔ ویژگی‌های لازم، شایستگی این فرقه برای عضویت در این جامعه، از ده‌ها سال پیش، بر صاحب نظران محرز بود.



نشانی‌های خبرگزاری ما روی اینترنت:

خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین

MOLLANASRODDIN SATIRE NEWS AGANCY

واقعیت خنده‌دار است!

http://msn-agancy.ir

www.mollanasroddin-magazine.ir

http://mollanasroddin-satire-news-agancy.ir

خوشگل الحکایات

من اگر آزاد باشم همچو باد
همچی آزادی نبینی در بلاد

عاآزادی محمودی

صاحبان اخبار و طوطیان شکرسخن شیرین گفتار روایت فرموده‌اند از بزرگ بزرگان رئیس الرؤساء، زعیم الأقالیم السبعه و نخبة الهزارة الثالثة محمود بن احمد بن احمدی‌نژاد زاد افاضاته که در ذم فقدان آزادی بیان و راحت الحلقوم و الزبان افاضات بسیار فرموده‌اند.

بیت

گفت آن والا سخن، عالی جناب
چون شنیدی این سخن کشک بساب
هرچه گفتم باید آزادی دهند
گر چنین کردم، بدان دیدی به خواب

ایشان در سخنان گهربار خویش، افاضاتی به غایت همچون عسل عرضه داشته‌اند و قرائن عدیده فرموده‌اند زان بابت که آزادی ثروت خلق است و ظلم بر تن مُلک همچون دلق!

بیت

حضرتش گفته است کآزادی طلاست
هر که زان غافل شود، او مبتلاست

حضرتش فرمودند که به دوران زرین ریاست وی، چنان آزادی در کارها بود که چنین آزادی، تاریخ بشریت در یاد ندارد. هر آن کس، همانی می‌کرد که می‌خواست. نه ملک را از خوف عسس عسرتی بود و نه خلایق ز بیم موازین محنت!

بیت

گفت در آن روزگار عیش و ناز
هر کرا گفتم به هر گوشه بتاز
هر چه در دست آوری از آن توست
هر زمینی را به دست آری، بساز
گمرک و نظم و عسس، بی ربط شد
چند من قانون بشد ثنار، یه غاز
آه از آن روزگار عیش و نوش
رفت آزادی ز کف، با تخت گاز

اشعرالشعرای یخته دل





Mollanasroddin Satire Magazine

